

حوزه انقلابی و راهبری تمدن نوین اسلامی

علی شیرخانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۹

چکیده

حوزه علمیه به عنوان نهادی پیشرو و پیشگام در تعلیم و تربیت اسلامی شناخته می‌شود. پیشینه حوزه‌های علمیه از صدر اسلام به‌منظور «تعلیم و تربیت» و به نوعی راهبری جامعه مسلمین در شناخت بهتر دین و عمل به آن شکل گرفته است که به مرور، این نقش به‌خصوص با وقوع انقلاب اسلامی در عرصه گسترده‌تری افزایش یافته است. حوزه علمیه جزء نهادهای تأثیرگذار در جامعه اسلامی ایران است؛ بنابراین، انتظار می‌رود نقشی تمدن‌ساز داشته باشد که با توجه به افزایش مسئولیت‌های حوزه علمیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، باید این نهاد به صورت انقلابی وارد کارزار شود و علاوه بر نقش تعلیمی، به سمت تعلیم، اخلاق و نیز علم‌گرایی حرکت کرده و برای رسیدن به این امر راهبردهایی را ارائه دهد. اگر این‌گونه عمل نکند، دچار اضمحلال خواهد شد؛ زیرا بشر بعد از انسان‌محوری (اومانیزم) به یک خلأ فکری و عقیدتی دچار شده و این امر فرصت‌هایی را برای حوزه‌های علمیه فراهم کرده است. پرسش اصلی مقاله این است که حوزه انقلابی چه شرایطی باید داشته باشد که برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی و راهبری آن مهم است؟ در پاسخ می‌توان گفت حوزه انقلابی به عنوان نهادی مهم و ریشه‌دار در اسلام و ایران که خاستگاه انقلاب اسلامی ایران بوده و نیز خلأیی که بشر انسان‌محور با آن مواجه است، می‌تواند با مثلث علم، اخلاق و عمل انقلابی وارد شود و برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی راهبردهایی را ارائه دهد. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است.

کلیدواژه‌گان: اخلاق، تمدن نوین اسلامی، حوزه انقلابی، حوزه علمیه، علم، عمل.

سپهر سیاست

سال چهارم

شماره چهاردهم

زمستان ۱۳۹۶

* دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

رایانامه: Rooz1357@gmail.com

این مقاله در قالب همایش علمی «حوزه انقلابی؛ مسئولیت‌های ملی و فراملی» که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی) در اسفندماه ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد، تهیه و تدوین شده است.

مقدمه

حوزه علمیه، نهادی پیشرو در ترویج فرهنگ اهل بیت (ع) بوده که در طول تاریخ این فرهنگ به اشکال گوناگون درآمده است و با وقوع انقلاب اسلامی ایران این مسئولیت بیشتر شده است، به طوری که بسیاری از وظایفی که قبلاً کمتر به آن توجه شده بود، امروزه بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. در واقع، از آنجا که خاستگاه انقلاب اسلامی، حوزه بوده و زعامت حرکت انقلابی توسط شخصیتی حوزوی بوده، رسالت آن نیز سنگین تر شده است.

یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که امروزه بر دوش حوزه‌های علمیه است، راهبری تمدن نوین اسلامی است که در این زمینه، باید همه جوانب را برای این «رهبری» در نظر داشت و برای این وظیفه، علاوه بر اینکه باید به «محتوا» توجه کرد، باید ساختار آن نیز روندی انقلابی به خود گیرد؛ زیرا با گسترش ارتباطات و تبادل اطلاعات نقش اخلاق‌محوری، علم‌گرایی و عمل‌گرایی به آنچه حوزه‌ها دارند، کار را سخت‌تر می‌کند و در صورت بی‌توجهی، نه تنها اسلام حالتی ارتجاعی می‌گیرد، بلکه اعتقادات اسلام ناب نیز جنبه خرافی به خود می‌گیرد. بنابراین، باید حوزه علمیه با مثلث اخلاق، علم و عمل به صورت جدی پای در عرصه نهاد و رسالت دینی خود را به خوبی نشر و گسترش دهد. در واقع، حوزه باید به حرکت انقلابی ادامه دهد و در زمینه‌های فکری، علمی، عملی و اخلاقی حوزه‌ای انقلاب‌گر باشد و از مرزهای ملی عبور کرده و به سمت مرزهای جهانی و جامعه جهانی حرکت کند؛ تا بتواند در این زمینه با تولیدات علمی و انقلابی، راهبری و رهبری داشته و زمینه‌ساز اخلاق‌محوری به جای انسان‌محوری غربی باشد.

نکته محوری این مقاله توجه به ابدهایی است که حوزه به‌منظور راهبری تمدن نوین اسلامی باید داشته باشد، که با توجه به ظرفیت‌های دینی-اعتقادی جهان اسلام بتواند از طریق بهره‌گیری از مثلث اخلاق، علم و عمل تمدن‌سازی کند. بنابراین، این مقاله ابتدا به چیستی انقلاب، انقلاب ایران و ویژگی‌های انقلاب اسلامی، سپس، به حوزه و چالش‌های حوزه انقلابی می‌پردازد و در نهایت، راهبردهایی را که حوزه انقلابی می‌تواند در راهبری تمدن نوین اسلامی داشته باشد، بررسی می‌کند.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

چیستی انقلاب

انقلاب عبارت است از بحرانی ناگهانی، عمیق و آگاهانه در ارتباط با مشروعیت حاکم در جامعه‌ای که به فروپاشی و تغییر در قلمرو سیاسی و اجتماعی می‌شود (صادقی، ۱۳۸۵، ص ۲۷). بنابراین، انقلاب مفهومی نسبی است که نخست، دگرگون‌کننده است؛ دوم، تغییردهنده سیاست، اقتصاد و اجتماع است؛ و در نهایت، هر انقلابی هدفمندی خاصی را دنبال می‌کند. البته در این میان، این واژه دارای ابهام بوده و تقسیم‌بندی آن نیز دشوار است. برخی بر کیفیت تأکید می‌کنند و برخی به کمیت، و عده‌ای بر خشونت و ناگهانی بودن توجه می‌کنند.

اما در تقسیم‌بندی انقلاب‌ها به نظر می‌رسد هر انقلابی ویژگی‌های عمومی دارد و هم خاص‌بودگی مختص خود. ارسطو نیز علل انقلاب را دو دسته عمومی و خصوصی دانسته است (ملکوتیان، ۱۳۸۴، ص ۱۶). بنابراین، به نظر می‌رسد برای تقسیم‌بندی انواع انقلاب، نوع نگاه به مسائل، تعریف ساختار و جایگاه «قدرت» مهم است. البته، آنچه در بررسی انواع انقلاب مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و شاید تا حدی جدید باشد، این است که در بررسی انواع انقلاب باید «خاص‌بودگی» هر انقلاب، «نگاه رهبران» و شرایط فرهنگی و اجتماعی که انقلاب روی داده اهمیت دارد. بنابراین، به‌نوعی می‌توان انقلاب اسلامی ایران را انقلابی خاص دانست که چیستی مختص به خود را می‌تواند در بر داشته باشد که فرهنگ خاص خود را در بردارد و رهبران و زمینه‌های فکری و فرهنگی مختص خود را طلب می‌کند.

خاص‌بودگی انقلاب اسلامی ایران

یکی از راه‌های شناخت هر انقلابی نظر اندیشمندان درباره آن انقلاب است که به‌گونه‌ای خاص‌بودگی آن انقلاب را نشان خواهد داد. در ذیل ویژگی‌های انقلاب ایران از منظر برخی اندیشمندان بررسی می‌شود.

آبراهامیان بیان کرده است: «در سده بیستم، دو انقلاب مهم (انقلاب مشروطه ۱۲۸۵-۱۲۸۸) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) در ایران روی داد. انقلاب نخست، شاهد پیروزی هرچند کوتاه روشنفکران مدرن بود. اما با انقلاب دوم، علمای سنتی به میدان آمدند؛ علمایی که از «دوران طلایی» اسلام الهام می‌گرفتند، پیروزی خود را با

حوزه انقلابی

و راهبری

تمدن نوین اسلامی

(۳۷ تا ۶۱)

طرح و تدوین یک قانون اساسی کاملاً دینی تضمین کردند...» (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ص ۶۵۵).

تدا اسکاچ پل می‌نویسد: انقلاب ایران توسط مجموعه‌ای از شکل‌های فرهنگی و سازمانی ریشه‌دار و تاریخی شیعه مانند امام حسین (ع) و مراسم اسلامی، شبکه مساجد، روحانیت و... به‌طور هشیارانه ساخته شد (اسکاچ پل، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴).

فوکو (۱۳۷۹) می‌نویسد: «ایرانی‌ها ... همه چیزی که می‌خواهند، «آزادی امیال» نیست، بلکه آزادی از هر چیزی است که در کشورشان و در زندگی روزانه‌شان نشانه حضور قدرت‌های جهانی است...» (فوکو، ۱۳۷۹، ص ۶۶).

کیمل (۱۳۷۵) می‌نویسد: «انقلاب اسلامی ایران... بزرگترین راهپیمایی‌های تاریخ را با بیش از دومیلیون شرکت‌کننده در تهران و میلیون‌ها تن در شهرهای دیگر برپا کرد (کیمل، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷).

با توجه نظر اندیشمندان، می‌توان چند ویژگی را در این نوشته‌ها برداشت کرد؛ توجه رهبران انقلاب به دوران طلایی اسلام، توجه به مسجد، شعائر آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی با محوریت حوزه و حوزویان، آزادی و حضور همه‌جانبه مردمی و تمدنی که اگر به نقطه مشترک همه آن‌ها توجه کنیم، محوریت دینی و ارزشی از بطن حوزه‌های علمیه وجود دارد که در حال حاضر «حوزه علمیه» سرمدار آن است.

حوزه علمیه

چیستی حوزه علمیه و نقش تاریخی آن

حوزه علمیه، نهاد مذهبی - آموزشی شیعیان برای آموزش و تربیت طلاب علوم دینی است. نخستین حوزه‌هایی که در اسلام شکل گرفت حوزه‌های مکه و مدینه بود. حوزه مدینه پس از رسول اکرم (ص)، مرکزیت علمی خود را حفظ کرد و در عصر امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) رونق زیادی گرفت. البته در کنار «مساجد»، در «منازل» نیز محافل درس برپا بوده است که به تدریج مدارس و دارالعلم‌ها تأسیس شد (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۰، صص ۳۳-۲۹). این مراکز بعد از امامان شیعه و در طول زمان گسترش یافته است.

بنابراین، می‌توان گفت، نقش حوزه در تاریخ متفاوت بوده، به‌طوری که در



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

برخی موارد نقش حمایتی داشته است، مانند دوران صفویه و در برخی برهه‌ها نقشی نقادانه و بعضاً حمایت‌گرایانه داشته است؛ مانند زمان مشروطیت و در برهه‌ای از زمان گرایش به بنیادگرایی داشته و بیشتر حالتی طرد نظام بوده است که از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تا انقلاب اسلامی وجود داشته است که البته حوزه علمیه پس از انقلاب سعی کرده است تمدن‌ساز باشد.

نقش حوزه علمیه در انقلاب اسلامی ایران

نقش حوزه علمیه در انقلاب اسلامی را می‌توان به دو دوره قبل و بعد از انقلاب تقسیم کرد. دوره قبل از انقلاب را می‌توان دوره «تلاش برای نظام‌سازی» دانست و دوره بعد از انقلاب را می‌توان دوره «تثبیت»، «تحکیم» و «راهبری نظام» دانست.

فعالیت حوزه قبل از انقلاب اسلامی ایران

فعالیت‌های حوزه‌های علمیه را می‌توان به دو صورت «سازمانی» و «شخص‌محور» بررسی کرد. نقش سازمانی آن می‌توان آثارحوزه به ماهو حوزه بررسی کرد که دستگاه این نهاد را مد نظر قرار دارد و تأثیر شخصیت‌محور آن را می‌توان در آثار عالمان در طول تاریخ مورد توجه قرار داد که البته این دو نقش از هم جدا نیستند.

بنابراین، به نظر می‌رسد، هر وقت علما، مراجع و طلاب حضور پررنگ‌تری در عرصه‌های مختلف اجتماع داشتند، توان و نقش سازمانی آن‌ها در اجتماع افزایش یافته است و اگر انشاقی دورن نهادی اتفاق افتاده است از قدرت آنان کاسته شده که نمونه آن را می‌توان انقلاب مشروطه دانست و هرگاه اتحاد وجود داشته موفق‌تر عمل کرده‌اند که نمونه آن نهضت تنباکو و انقلاب اسلامی است. البته باید گفت نقش حوزه و نهاد روحانیت قبل از انقلاب اسلامی بیشتر حالتی شخصیت‌محور بوده و نقش سازمانی آن کم‌رنگ‌تر بوده است.

بنابراین، نقش سازمانی حوزه قبل از انقلاب بیشتر در مساجد و تکیه‌ها بود که بیشترین تأثیر روشنگری سازمانی حوزه را ایجاد کرده بود، به طوری که داریوش همایون -وزیر اطلاعات و جهانگردی کابینه آموزگار- معترض گسترش مساجد و نیز تأثیر و سازماندهی مساجد بود (کدی، ۱۳۷۵، ص ۶).

حوزه انقلابی
و راهبری
تمدن نوین اسلامی
(۳۷ تا ۶۱)

البته به نظر می‌رسد تأثیر اشخاص قبل از انقلاب بیشتر جنبه ایدئولوژی‌سازی آن‌ها است. در حقیقت، ایدئولوژی‌ها همراه با به‌دست‌دادن توضیحی از واقعیت‌ها اجتماعی، حاوی یک رشته عقاید سیاسی نیز هستند که بهترین شکل ممکن سازماندهی اجتماعی را به‌تفصیل شرح می‌دهند و همراه نقشه‌ای از واقعیت‌ها، تصویری از جامعه‌ای مطلوب هم ارائه می‌دهد» (اکلشال و همکاران، ۱۳۷۵، صص ۱۱-۱۲). بنابراین، رهبران انقلاب ایدئولوژی انقلابی دارند که شروع آن مختص دوره مشخصی نیست، اما می‌توان گفت، فعالیت جدی آن‌ها در دهه ۴۰ و حتی قبل‌تر آغاز شده است که در واقع، «حوزه شیعی» با طرد و نفی ارزش‌های حاکم، به‌ویژه از نظر فرهنگی و اخلاقی، و تأکید بر ایده و آرمان تأسیس سازمان سیاسی جدید مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی به‌نوعی به «ایدئولوژی‌سازی» پرداخته‌اند که حاوی سخن نو هست که با تکیه بر اجتهاد جواهری طرح و تدبیری برای تکمیل منابع فقهی و بالقوه تعبیه‌ای انقلابی در برابر قدرت‌های دنیوی است (عنایت، ۱۳۶۲، ص ۳۷۵).

حوزه علمیه پس از انقلاب اسلامی ایران

نقش حوزه علمیه، پس از انقلاب اسلامی، علاوه بر نقش محتوایی و نرم، شامل نقش ساختاری و ساختارسازی نیز می‌باشد. بنابراین، مشاهده می‌شود که به‌دستور امام خمینی (ره)، اعضای نخستین شورای مدیریت حوزه انتخاب شدند. مرکز مدیریتی حوزه تغییر کرد، حوزه‌های علمیه خواران گسترش یافت، مراکز علمی - حوزوی بسیاری ایجاد شده، و کتابخانه‌های زیادی تأسیس شد.

بنابراین، مسئولیت حوزه پس از انقلاب هم در ساختارسازی و سازماندهی و هم در بحث محتوای علمی، فکری و ایدئولوژی‌سازی افزایش یافته است. در حال حاضر حوزه علمیه پس از انقلاب از موضع نقادی قبل از انقلاب عبور کرده است و خود بر مسند نقدشدگی قرار دارد که با چالش‌هایی همراه است.

واکاوی واژه حوزه انقلابی

چیستی حوزه انقلابی

تعریف دقیقی را نمی‌توان برای حوزه انقلابی بیان کرد؛ اما می‌توان گفت حوزه انقلابی یعنی حوزه‌ای تحول‌گر و تحول‌گرا که پاسخگوی نیازهای عقیدتی، ارزشی



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

و دینی جامعه در سطوح مختلف به منظور حرکت به سمت اخلاق‌مداری و علم‌گرایی در جامعه به منظور دستیابی به تمدن نوین اسلامی باشد.

پس حوزه انقلابی نه تنها باید «تولیدگری فکر و اندیشه» برای جامعه ایران را در برنامه داشته باشد، بلکه برای جامعه جهانی نیز باید ایده و تولید ارائه دهد. بنابراین، در تعریف حوزه انقلابی می‌توان گفت حوزه انقلابی حوزه‌ای است که دائماً تولید کند، حرکت کند، حرکت دهد، بانشاط باشد، راهبرد ارائه دهد و ایستا نباشد و روند انقلابی‌گری‌اش را حفظ کند. به عبارتی، حوزه و روحانیت «پیشرو در مسائل بسیاری باشد و نقش خط‌دهی داشته باشد. علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، حضور چشمگیری در عرصه‌های علمی به خصوص «علوم انسانی» داشته باشد که حضور طلاب در هر زمینه باید همراه با «فضائل و مناقب اخلاقی»، «تهذیب نفس واقعی»، «شرح صدر»، «بزرگواری»، «انصاف، حلم و صبر و تحمل مخالف»، «احترام به حقوق دیگران» باشد.

بنابراین، «اخلاق»، «علم» و «عمل» نیاز حوزه انقلابی است و داشتن راهبرد جدید برای حل مشکلات، و حرف نو که بتواند مصداق عملی یابد، لازمه انقلابی‌ماندن است. بنابراین، مشاهده می‌شود که وقتی امام خمینی (ره) حرکت کرد، در واقع، حرف جدید ایشان طرد و نفی طاغوت «درونی» و «بیرونی» انسان و هواهای نفسانی بود که این طرد طاغوت در ابتدا باید از خود انسان صورت می‌پذیرفت، سپس، به اجتماع می‌رسید که در نهایت، پشت‌پازدن به «طاغوت خارجی» یا «طاغوت دیگر» سرزمین‌ها دیگر که در آن زمان آمریکا، انگلیس و شوروی بودند، نوعی انقلابی‌گری محسوب می‌شد.

پس اگر «حوزه» انقلابی باشد، باید انقلاب‌گر یعنی متحول‌گرا نیز باشد و البته برای حفظ این جای‌گاه «انقلابی» بماند. پس وقتی لفظ «انقلابی» به کار گرفته شد، باید در بطن جامعه این جریان وجود داشته باشد، که برای رسیدن به این امر، ابتدا باید نهادهای مؤثر در جامعه مانند حوزه، این ویژگی‌ها را داشته باشند، زیرا این نهاد با توجه به خاستگاه انقلابی و همچنین، فراگیری تعالیم الهی و اسلامی، بهتر می‌تواند، به‌عنوان راهبر و راه‌بلد بوده، و دشمن‌شناس باشد. بنابراین، از آنجا که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری دو ایدئولوژیست و رهبر صاحب در حوزه اخلاقی، علمی و عملی هستند، در ذیل حوزه انقلابی از منظر این دو شخصیت تأثیرگذار بررسی می‌شود.

حوزه انقلابی

و راهبری

تمدن نوین اسلامی

(۳۷ تا ۶۱)

حوزه انقلابی از منظر امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) به تحول، حرکت و انقلاب اسلام اعتقاد داشت و معتقد بود اهداف والا و گسترده، و مقاصد و ایده‌های عظیم نیازمند تحمل زحماتی متناسب با میزان اهمیت هدف و مقصد است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۵۹). این امر با انقلاب اسلامی پیوند دارد و بسیاری از زحمات قبل از انقلاب توسط حوزویان تحمل شده است. البته نباید انقلابی‌گری را مترادف با هرج و مرج طلبی یکی دانست. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «شما خیال نکنید که حالائی که انقلاب شده پس ما هر کاری دلمان می‌خواهد بکنیم. ضدانقلابی‌ها جزء شماها می‌شوند، شما هم نمی‌شناسید آن‌ها را تحریک هم می‌کنند، می‌ریزید می‌شکنید و یک مملکت را این‌طوری نمایش می‌دهید که اینجا هرج و مرج است، یک مملکت هرج و مرجی است..... آداب اسلامی این است که هر کسی موظف بداند خودش را به این‌که حفظ حدود و ثغور را بکند.... انقلاب اسلامی، معنایش این است که متحول شده است یک مملکت طاغوتی که هر کس می‌خواست ظلم بکند، می‌کرد به اتکال سرنیزه، مبدل شده است به یک مملکت اسلامی که روی موازین اسلامی عمل می‌شود. موازین اسلامی این است که اگر فرض کنید که یک کسی جرمی کرده است، خودش نمی‌تواند برود آن جرم را عوض کند» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۱۳۷).

بنابراین، مؤلفه‌های انقلابی‌گری از دیدگاه امام (ره) عبارت‌اند از ساده‌زیستی و نفی اشرافیت (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱)؛ عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ و داشتن روحیه استقلال‌طلبی (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۶۴)؛ مردمی‌بودن و جدانشدن از مردم و بطن جامعه (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۵۳)؛ اتکال به خدا (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۲۶۲)؛ حفظ وحدت به‌عنوان رمز پیروزی (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۴۱)؛ اعتماد نفس و نفی خودباختگی (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۹۴)؛ قطع ایادی اجانب راست و چپ از سر کشور است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۱۳).

حوزه انقلابی از منظر مقام معظم رهبری (دام‌الله)

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز مؤلفه‌هایی برای حوزه انقلابی برمی‌شمارد که در واقع، روحیه انقلابی افراد را در این زمینه با اهمیت می‌داند. «روحیه انقلابی یعنی



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن، و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است^۱. ایشان همچنین صراحت، صداقت و قاطعیت را از ارکان انقلابی گری می‌داند.^۲

بنابراین، اگر بخواهد این روحیه حفظ شود، باید ارزش‌ها حفظ شود و بر آن‌ها تأکید شود؛ که در این میان تعادل افراد مهم است و نیفتادن در دام افراط و تفریط^۳، پرهیز از سیاست زدگی^۴، نداشتن ترس از مؤلفه‌های انقلابی بودن^۵، لازمه فرد انقلابی است. ایشان پنج شاخص برای انقلابی گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن برشمردند که در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. پنج شاخص انقلابی گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن مطرح شده در بیانات رهبر انقلاب در

حرم امام خمینی، ۹۵/۰۳/۱۴

ردیف	شاخص	بیانات مقام معظم رهبری
۱	پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب	بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبانی امام صحبت کردم. مبانی اساسی ما آن‌هاست... اگر این پایبندی وجود داشت، حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود. در تندباد حوادث این حرکت تغییر پیدا نمی‌کند اگر این پایبندی وجود نداشت، نقطه مقابل این پایبندی عمل‌گرایی افراطی است. یعنی هر روزی به یک طرف رفتن، هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن.
۲	هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها	بعضی سعی می‌کنند جامعه و جوان‌های ما را دچار ناامیدی کنند. بگویند آقا فایده ندارد! نمی‌شود! نمی‌رسیم!... شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند. تسلیم نشویم در مقابل فشارها.
۳	پایبندی به استقلال کشور	استقلال سیاسی معنایش این است که ما در زمینه سیاسی فریب [دشمن را] نخوریم... استقلال فرهنگی که از همه مهم‌تر است، در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی ایرانی انتخاب نکنیم... استقلال اقتصادی هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی است.

حوزه انقلابی
و راهبری
تمدن نوین اسلامی
(۳۷ تا ۶۱)

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، برگرفته از leader.ir، تاریخ دسترسی: ۱۳۸۳/۴/۱

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، برگرفته از leader.ir، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۱۱/۱۹

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، برگرفته از leader.ir، تاریخ دسترسی: ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، برگرفته از leader.ir، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، برگرفته از leader.ir، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۶/۴

ردیف	شاخص	بیانات مقام معظم رهبری
۴	حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن	باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید، از تبعیت دشمن سر باز زد؛ این شاخص چهارم که این عدم تبعیت را عرض کردیم، قرآن، «جهاد کبیر» نام نهاده است.
۵	تقوای دینی و سیاسی	اینکه ما عرض کردیم که باید به آن‌ها پایبند بود، اسلام اینها را از ما خواسته است. یک تکلیف دینی است. این خواست دینی ماست و رعایت آن تقوای دینی است. تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز بکند.

منبع: برگرفته از farsi.khamenei.ir، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

ویژگی‌های حوزه انقلابی

با توجه به مطالب یادشده می‌توان ویژگی‌هایی کلی را برای حوزه انقلابی از جمله توجه به اصول اسلامی در قانون اساسی، تأکید بر اصول سیاست خارجی ج.ا.ا در قانون اساسی، دشمن‌شناسی و تبیین دشمن توسط حوزه علمیه، رعایت اخلاق عملی توسط روحانیون و همچنین علم‌گرایی و عمل‌گرایی این قشر (حوزویان)، آتش به اختیار بودن حوزویان، تولیدگر بودن حوزه در زمینه‌های فکری و راهبردی کارکردن حوزه‌ها و در نهایت، توجه به «رضای خدا» در همه زمینه‌ها برشمرد که لازمه آن‌ها پویایی، تحرک، نشاط و تولید است.

چالش‌های حوزه انقلابی

با توجه به اینکه هر انقلابی از یک‌طرف با محدودیت‌هایی روبه‌رو است؛ و از طرف دیگر، انتظارات و نقش‌ها از آن افزایش می‌یابد، چالش‌های آن نیز به اندازه رشد و گسترش یافتگی افزایش می‌یابد. پس از آنجا که حوزه‌های علمیه با محوریت «اخلاق‌گرایی»، «علم‌گرایی» و «عمل به دانسته‌ها» شکل گرفته است، مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه نیز می‌تواند چالش‌های اخلاقی، چالش علمی و چالش عملی حوزه علمیه باشد.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «به‌راستی که من مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم [و به مردم پیام‌آموزم]» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۲). بنابراین، اگر حوزه‌های علمیه در امتداد رسالت پیامبر (ص) در نظر گرفته شود، باید گفت اخلاق‌محوری مهم‌ترین رکن حوزه‌های علمیه است. پس اگر



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

اخلاق محوری جزء وظایف طلاب نشود و خود را با رهنمون‌های اخلاقی همراه نکند، جامعه نه تنها در مسیر رشد حرکت نخواهد داشت، بلکه با توجه به مبانی ارزشی و دینی ملت، تمدن‌سازی نیز دچار انحطاط خواهد شد. نادیده گرفتن اخلاق‌گرایی و اخلاق محوری چه در سطح «فردی» و چه «نهادی» ضربه بر پیکره انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن است. پس رسالت حوزویان نسبت به قبل از انقلاب افزایش یافته است و عدم پرورش طلبه مهذب و متخلق به اخلاق (که به عنوان کارویژه حوزه بوده) که اگر پاسنگوی جامعه دینی نباشد و حرکت تمدن به سمت نوین‌سازی و پاسنگویی متوقف خواهد شد و در واقع، طبق حدیث پیغمبر (ص) که دو گروه از امت من اگر صالح شوند، امتم صالح می‌شوند و اگر فاسد شوند، امتم فاسد می‌شوند. عرض شد؛ ای رسول خدا آن دو گروه کدامند؟ فرمودند: عالمان و حاکمان (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص ۳۷)، آنجاست که اگر عالمان که پس از انقلاب اسلامی ایران حاکم نیز شده‌اند، صالح نشوند، تمدن‌سازی، راهی جز بی‌راهه رفتن نیست و از آن می‌توان مهم‌ترین چالش پیش روی حوزه نام برد.

یکی دیگر از چالش‌های حوزه را می‌توان چالش علمی برشمرد. امام علی (ع) می‌فرمایند: عالم زنده است، گرچه مرده باشد؛ نادان مرده است، گرچه زنده باشد (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۰). پس می‌توان جامعه‌ای را زنده خواند که در آن عالم به راه باشد. بنابراین، علم و توجه به علم‌اندوزی جزء ضروریات حوزه است و چالش علمی حوزه که داعیه‌دار انقلاب است، وظیفه این نهاد و اجزای آن را افزایش داده است.

به نوعی می‌توان گفت با پیروزی انقلاب اسلامی وظیفه سنگین مبارزه با طاغوت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی از عرصه نظری و نقادی گذشته است و باید و جریان‌ساز باشد و تولید مداوم علمی داشته باشد و سطح فعالیت‌ها را افزایش یابد؛ زیرا در عصر ارتباطات تبادل اطلاعات آسان است و امروزه علمی حرف جدید برای جامعه جهانی دارد که منطبق بر واقعیات قابل فهم برای عموم باشد که در این میان مهم‌ترین چالش علمی حوزه علمیه در علوم انسانی است. البته این به معنای نادیده گرفتن سنت‌ها نیست، بلکه تیزبینی و آینده‌پژوهی نیاز است که بتواند مداومت مسیر انقلاب را سهل کند. بنابراین، سهل‌گیری در نگرش‌های علمی نخست، انعطاف را زیاد می‌کند و دوم اینکه آزاداندیشی‌ها را افزایش می‌دهد و بایکوت علمی را از بین می‌برد، زیرا تحریم علمی و رد نظرات دیگران در صورتی

حوزه انقلابی

و راهبری

تمدن نوین اسلامی

(۳۷ تا ۶۱)

اتفاق خواهد افتاد که برای نظرات دیگران بدون داشتن پشتوانه علمی قوی آن‌ها را ناقص بدانیم. پس یکی از چالش‌های علمی حوزه علمیه امروز نیاز به آزاداندیشی است که تنها این یک وجه از علم‌گرایی است و به‌نوعی ضروری‌ترین قسمت برای پشت‌سرنهادن چالش‌های علمی دیگر است.

توجه به اخلاق و علم در واقع هموارکننده «عمل» هستند، قرآن کریم می‌فرماید: «مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف شدند] آنگاه آن را به کار ن بستند، مثل خری است که کتاب‌هایی را بر پشت می کشد [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌کند» (جمعه: ۵).

در یکی از اضلاع مثلث راهبری تمدن نوین اسلامی عمل‌گرایی و توجه به دارایی‌ها، ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و فرصت‌ها وجود دارد که در واقع، در راستای «عمل انقلابی» چالش‌های پیش روی تمدن نوین را کاهش خواهد داد و راهبری تمدن نوین اسلامی تسهیل می‌یابد، زیرا اگر به اخلاق و علمیت حوزه‌ها و طلاب توجه دقیق صورت گیرد و به صورت برنامه کلان و آینده‌نگر به آن نگرسته شود، عمل‌گرایی حوزویان برجسته می‌شود. یعنی لازمه «عمل‌گرایی» حوزویان توجه به دو مؤلفه قبلی یعنی اخلاق و علم است. در واقع، روحانیت تا قبل از انقلاب در زمینه بحث تدریس و ائمه جماعات فعالیت چشمگیر داشت و امروزه با توجه به نیازهای جامعه، این فعالیت‌ها به‌طور عمودی و افقی چشمگیر شده است و طلاب بیشتر به امور فرهنگی، فکری، دینی، ارزشی گرایش داشته و دارند که البته این امر به‌خوبی نزد ملت افزایش نخواهد یافت، مگر با اعتمادسازی که باید در جامعه صورت گیرد. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «وقتی بنا شد یک عالمی مفسده‌جو باشد و یک حوزه را در معرض خطر قرار بدهد، این گندش یک حوزه را بلکه یک امت را می‌گیرد.... لکن اگر یک آخوندی یک کاری را بکنند می‌گویند، آخوندها...» (تبیان، ۱۳۷۴، صص ۲۹ و ۳۱).

تمدن‌سازی و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی

مفهوم تمدن و تمدن‌سازی

واژه civilization معادل تمدن یا حضاره است. این واژه در زبان انگلیسی از



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

لغت لاتینی civis به معنای شهروند یا شهرنشین گرفته شده است و به ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت که دستاورد شهرنشینی است یا به پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند، دلالت دارد (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۳۵). یونانیان با به‌کارگیری واژه civilization شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹). در فرهنگ فارسی تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین‌شدن، خوی شهری‌گزیدن و با اخلاق مردم آشناسدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۳۰). به تعبیر دیگر، تمدن در عربی از «مدن» اخذ شده، که معنای آن اقامت‌کردن است و در زبان انگلیسی، امروزه واژه civilization را به این مفهوم اطلاق می‌کنند که آن نیز به معنای استقرار یافتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است (ولایتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۳).

بنابراین، در تعریف و اصطلاح تمدن می‌توان گفت تمدن مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی که قابل انتقال‌اند و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی، علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۹۹). پس تمدن می‌تواند مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی در جامعه انسانی باشد که اگر این تمدن متناسب با شرایط روز باشد، می‌توان «نوین» را به آن اضافه کرد.

«تمدن نوین» عبارت است از مؤلفه‌های تمدنی که متناسب با شرایط و اقتضائات روز در جهت رشد و ارتقای فردی و اجتماعی به‌کار می‌رود و پاسخگوی نیازها و ضرورت‌های جوامع امروزی است. بر اساس این تعریف، می‌توان گفت تمدن مفهومی نسبی است که متناسب با زمان، مکان جامعه مخاطب و عواملی دیگر از این دست اهمیت و کاربرد مؤلفه‌های آن متفاوت خواهد بود (ملک‌افضلی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴). بنابراین، به نوعی می‌توان گفت تمدن نوین اسلامی با محوریت الله شکل می‌گیرد. در واقع، این تمدن در برابر تمدن مادی غرب جهت و آهنگ تعالی و تقرب الهی دارد و اقتصاد، فرهنگ و سیاست را در هم تنیده می‌داند که از یک نظر، برای ارزش‌ها و مبانی دینی در سایه تقرب الهی جایگاه قائل است؛ و از سوی دیگر، به انسان به‌عنوان موجودی متعالی نگریسته می‌شود و بنابراین، انسان را تک‌بعدی نمی‌بیند و آن را کالا فرض نمی‌کند.

حوزه انقلابی

و راهبری

تمدن نوین اسلامی

(۳۷ تا ۶۱)

پس می‌توان گفت، در تمدن نوین اسلامی هم باید ارزش‌ها و تعالیم دینی را مد نظر قرار داد، هم ابزارها و هم انسان را که در واقع، بیشترین بار تمدن‌سازی بر دوش انسان است. البته بخش ابزاری و راه رسیدن به این مسیر نیز مهم است و باید گفت؛ بخش ابزاری نیز ارزشمند است. بخش ابزاری عبارت است از ارزش‌هایی که به‌عنوان پیشرفت تمدن مطرح است که از جمله می‌توان به علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، ابزارآلات نظامی، اعتبار بین‌المللی اشاره کرد.

بنابراین، بخش حقیقی پیشرفت، تمدن‌سازی است که ویژگی‌هایی از جمله رسیدن به سبک زندگی اسلامی؛ سعادت‌مندی، سبک ازدواج‌های آسان، دستیابی به مسکن و لباس بدون دغدغه، الگوی مصرف الهی و دور از اسراف، تفریحات سالم، داشتن سبک معاشرت متناسب با فرهنگ الهی، شرعی و اخلاقی، داشتن شغل متناسب با جایگاه علمی، تلاشی و شخصیتی افراد برشمرده که همه این موارد هم در بخش نرم‌افزاری تمدن قرار می‌گیرد و هم در بخش سخت‌افزاری تمدن اهمیت دارد.

مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی

الف) خدامحوری به جای انسان‌محوری

در تمدن نوین اسلامی، کارها برای رضای خدا صورت می‌گیرد. به عبارتی، در رأس همه کارهای انسانی که به سمت تمدن‌سازی در جریان است، نظارت خدا اصلی است و اگر اینگونه دیدگاهی در جامعه عمومیت یابد، خدامحوری به‌جای انسان‌محوری قرار می‌گیرد. در واقع، انسان خدامحور جای شخص انسان‌محور را می‌گیرد. به عبارتی، (افراد) پاداش خود را نزد خدا می‌خواهند. چنین فردی اعتقاد دارد هرکس در برابر آنچه به‌دست آورده است، جزا داده شود و به آن‌ها ستم نمی‌شود (جائیه: ۲۲). همچنین، ایمان دارد خداوند به آنان که نیکی کرده‌اند، بهترین پاداش را می‌دهد (نجم: ۳۱).

ب) توجه به کرامت انسانی

کرامت انسانی در تمدن نوین اسلامی باید به‌عنوان یک اصل باشد. کلمه «ویل» از شدیدترین تهدیدهای قرآنی است و تنها دو سوره در قرآن با این کلمه شروع شده است که هر دوی آن‌ها درباره مردم است. ویل للمطففین (وای بر کم‌فروشان) و



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

ویل لکل همزه لمزه (وای بر عیب جویان طعن‌زن) اولی درباره کم‌فروشی است که به‌نوعی می‌تواند مصداق کم‌کاری در مسئولیت‌ها نیز می‌تواند باشد و دومی درباره آبروی مردم است که هر دوی آن‌ها نشان از تقدس در کرامت انسانی است. در این میان، نیز توجه به آزادی انسان در جامعه نیز نوعی توجه به کرامت انسانی است که البته آزادی معانی و تعابیر بسیار می‌تواند داشته باشد، که بحث ما این مقوله نیست. اما انسان اگر آزاد نباشد کرامت و ارزش انسانی به کلی پایمال خواهد شد. بنابراین، مشاهده می‌شود که در شیوه عملی ائمه علیهم‌السلام اظهار نظرها آزاد بوده و آزادی بیان وجود داشته است و این علمیت ائمه بوده که جاهلان را هدایت کرده‌اند، همچنین، رهبر معظم انقلاب بسیار بر کرسی‌های آزاداندیشی تأکید کرده‌اند که همه این موارد نشان‌دهنده اهمیت کرامت و ارزش انسانی در جامعه چه در سطح فردبه‌فرد افراد و چه در سطح اجتماع است.

ج) اخلاق محوری

اخلاق جمع «خُلُق» به‌معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و غیرظاهر درک‌شدنی است. قرآن کریم توجه به اخلاق را مهم و برجسته‌ای می‌داند و وجه تمایز پیغمبر با همه افراد انسانی دیگر نیز شاید اخلاق باشد. قرآن خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «و تو دارای اخلاق بزرگ و برجسته‌ای هستی» (قلم: ۴). بنابراین، می‌توان اخلاق محوری را یکی از ارکان مهم رشد جامعه بشری برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باشد. رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌دانند و معتقدند معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود (رضائی و اکبری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴).

د) تأکید بر علم، معرفت و تخصص

از مهم‌ترین عوامل رشد و گسترش هر تمدنی توجه به علم بوده است. به‌عبارتی، هر تمدنی که توانسته است که به ثمر بنشیند، عالمان در آن نقش داشته‌اند. دین اسلام نیز بسیار بر علم‌آموزی تأکید می‌کند، به‌طوری که در جنگ بدر برای آزادسازی اسرای مشرک، تعلیم کودکان مسلمان نیز مطرح بود. قرآن به دانش و تقوا نیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: «کسانی از شما را که گرویده و کسانی

حوزه انقلابی

و راهبری

تمدن نوین اسلامی

(۳۷ تا ۶۱)

را که دانشمندان [بر حسب] درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است (مجادله: ۱۱). همچنین، در روایات بیان شده است که تحصیل علم عبادت به‌شمار می‌آید، یا اینکه یک لحظه تفکر ثواب سالها عبادت را دارد. همچنین، در مکتب امام صادق (ع) تخصص‌گرایی و تنوع وجود داشت و عالمانی را در زمینه‌ها و تخصص‌های خاصی پرورش داده‌اند.

ه) عدالت‌محوری و عدالت‌گستری

شاید بتوان عدالت‌گستری را مهم‌ترین عامل آرامش و امنیت در جوامع برشمرد که لازمه رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. قرآن کریم درباره ظلم و ستم می‌فرماید: «خدا به اندازه ذره‌ای به کسی ستم نمی‌کند» (نساء: ۴۰). همچنین، خداوند به هیچ موجودی ستم نمی‌کند (کهف: ۴۹). حتی در قرآن کریم یکی از اهداف انبیا عدالت‌گستری معرفی شده است. بنابراین، عدم ظلم و ستم در هر زمینه‌ای به‌نوعی عدالت‌گستری است. عدالت‌محوری در جامعه زمانی به وجود می‌آید که فرصت‌ها در همه زمینه‌ها برابر باشد و تلاش و سعی افراد جایگاه‌ها را تعیین کند. البته زمانی که صحبت از عدالت به میان می‌آید؛ بیشتر عدالت اجتماعی مدنظر است و آن زمانی است که فاصله طبقاتی به نازل‌ترین سطح خود برسد. در این زمینه برای رسیدن به عدالت اجتماعی به‌منظور شکوفایی تمدن نوین اسلامی سه شاخص نیاز است که شامل تشکیل حکومت اسلامی، رهبری جامعه و لزوم قانون دقیق و اجرای آن است که البته نقش مردم نیز در امور فردی و اجتماعی برای دستیابی به این مهم اهمیت دارد. بنابراین، جامعه‌ای به سمت تمدن نوین اسلامی در حرکت خواهد بود که عدالت‌گستری به عنوان یک «گفتمان حاکم» در جامعه جریان داشته باشد.

و) استقلال حکومت و مقاومت مردمی

هر تمدنی که بخواهد اظهار وجود کند و در واقع، برای دیگران الگو قرار گیرد، باید هزینه‌های مادی و معنوی صرف کند. برای الگو قرار گرفتن به استقلال طرز تفکر و مکتب نیاز است، بنابراین، اگر جامعه و کشوری به‌طور محض از دیگران تقلید کرد، دیگر نمی‌توان اسم آن را استقلال نهاد. در این میان، اگر استقامت و مقاومت مردم همراه با عناصر دیگر مؤلفه‌های تمدنی شد، آنگاه می‌توان حرکت عظیم تمدن‌ساز را شاهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

با دشمن تحریض کن، اگر بیست نفر از شما با استقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافرند غالب می‌شوند! چرا که آن‌ها گروهی هستند جاهل و نادان» (انفال: ۶۵). پس تمدن در ابتدای امر باید استقلال طلب بوده و پس از آن استقامت‌جویی داشته باشد و برای رسیدن به اهداف تمدنی از خود مقاومت نشان دهد. البته در این زمینه باید به نقش مردم برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی توجه کرد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «و امرهم شوری بینهم» (شورا: ۳۸) که نشان‌دهنده توجه به حکومت مردمی است.

ز) توجه به فرهنگ تلاش و کوشش

اسلام کار و تلاش را نوعی عبادت و جهاد می‌داند. در این اندیشه انسان فعال مورد توجه خدا قرار می‌گیرد و فردی که از کار شانه خالی کند، مورد لعن است. بنابراین، اگر تلاش و کوشش نوعی فرهنگ سالم زیستن در جامعه باشد، بی‌شک جامعه رو به تعالی می‌رود. فرهنگ کار و تلاش در فلسفه سیاسی فارابی و خواجه نصیر بسیار اهمیت دارد و افرادی که برای خود و جامعه کار و تلاش نکنند به نوعی «نوابت» به حساب می‌آیند. بنابراین، فرهنگ کار و کوشش نیاز رسیدن به تمدن نوین اسلامی است.

ح) ارتباط‌گیری با دیگر ملل و نحل

بی‌شک هر تمدنی پس از شکل‌گیری سعی در گسترش خود خواهد داشت. تمدن نوین اسلامی نیز برای گسترش خود در دیگر سرزمین‌ها نیازمند ارتباط‌گیری مداوم و برنامه‌ریزی است. در حال حاضر، با توجه به گسترش روزافزون ارتباطات در سطوح مختلف حتی در سطح فردی، باید محدودیت‌هایی که برای ارتباط‌گیری هست با برنامه دقیق و هدفمند کاهش یابد. این امر به نوعی می‌تواند در «صدور نرم انقلاب» تجلی یابد، که البته لازمه‌اش حساسیت‌زدایی است، نه حساسیت‌زایی. امروزه ارتباط‌گیری در چهار سطح می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ فردی، گروهی (قومیتی، سازمانی که اعتقاد به تکثر دارد)، بین‌دولتی (ملی) و فراملی (منطقه‌ای و بین‌المللی و جهانی) که همه این موارد لازمه گسترش و رسیدن به تمدن نوین اسلامی است.

حوزه انقلابی

و راهبری

تمدن نوین اسلامی

(۳۷ تا ۶۱)

راهبری تمدن نوین اسلامی؛ بایدها و نبایدها حوزه انقلابی

راهبری تمدن نوین اسلامی

لغت‌نامه دهخدا راهبری کردن را چنین معنا کرده است: رهبر و راهنما شدن، راهبری کردن کسی را، راهنمایی کردن و راه نمودن و هدایت کردن، راهروی، راه‌پیمایی. بنابراین، در امر راهبری آنچه مهم‌ترین اصل است رهبری و راهنما شدن است که هم می‌تواند خود اجراکننده باشد و هم اینکه نوعی مشورت‌دهی و هدایت باشد که در اجرا هم می‌تواند ساختار را شکل دهد و هم اینکه رهبر و مدیر برای جامعه تربیت کند. در نوع دوم، بیشتر جنبه مشورت‌دهی دارد، اما آنچه را که می‌توان استنباط کلی کرد، اینکه کسی که راهنما و رهبر می‌شود، باید خود زوایا، مسیرها، سختی‌ها، راه‌حلهایی را که می‌توان بر مشکلات فائق آمد، بشناسد و در واقع، خود عقل رهبری را داشته باشد که بتواند راهبری تمدن نوین اسلامی را برعهده گیرد. در تعریف عقل رهبری اینکه با توجه به ارزش‌ها و مبانی دینی کسی بالاتر از نهاد یا فردی از نظر اخلاقی، علمی و عملی (تدبر و مدیریت) نباشد و در واقع، برای هدایت و راهنمایی بهترین جامعه باشد.

بایدها و نبایدهای حوزه انقلابی به‌منظور دستیابی به حوزه تمدن نوین اسلامی

پرسش اساسی این است که وظیفه حوزه انقلابی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت مهم‌ترین وظیفه هر فرد و نهاد این است که وظیفه خود را به‌خوبی انجام دهد که این امر اصل عدالت‌گستری است. به‌عبارتی، اگر طلبه به‌خوبی طالب درس دینی باشد و مطالعات خود را با معرفت و اخلاق همراه کند و با مشکلات جامعه دغدغه‌وار برخورد کند، این بهترین الگو عملی می‌تواند برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باشد. همچنین، اگر استاد حوزه، تدریس خود را با عمل، رفتار و گفتار خود تطبیق دهد، بی‌شک طلبه مذهب تربیت خواهد داد.

بنابراین، برای راهبری نرم که در مقابل راهبری سخت (صرفاً کارهای اجرایی و صفی) قرار دارد، حوزه برای راهبری جامعه نیازمند بایدهایی است. در واقع، از آنجا که انقلاب اسلامی زمینه‌ای حوزوی دارد، باید به تداوم انقلابی توجه داشته باشد. تداوم حوزه انقلابی، یعنی پایبند به مبانی و ارزش‌های اسلامی و انقلابی،



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

حرکت هدفمند و بدون احساس به سمت آرمان‌های انقلابی، استقلال‌خواهی حوزه، دشمن‌شناسی، تقوای سیاسی و دینی، اتکا به نیروی جوانی طلاب، طرد خوی اشرافی‌گری، انصاف در همه زمینه‌ها و در کل، کار انقلابی برای رضای خدا که البته در همه این موارد توجه به فرهنگ را می‌توان دید.

به‌نوعی می‌توان گفت فرهنگ دو بُعد پیشرفت دارد، نخست، فرهنگ اقتصادمحور است که باید در جامعه توسط طلاب تبیین شود و آن قرائت احادیث و تفاسیری است که بر تلاش و کوشش هر فرد برای اقتصاد خود، خانواده و جامعه دربردارد و دوم که از اولی مهم‌تر است، ذهنیت فرهنگی جامعه است که آن را می‌توان در رفتارهای فردی و اجتماعی شاهد بود. در واقع، فرهنگ و رفتارهای جامعه برخاسته از عقاید و اخلاقیات جامعه است (دغدغه‌های فرهنگی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰، ص ۱۹). بنابراین، باید حوزویان در این عرصه که دین نیز هم جزء فرهنگ یعنی اعتقادات و ارزش‌ها محسوب شود، و هم خود می‌تواند فرهنگ‌ساز باشد، قدری جدی‌تری فعالیت کنند.

پس، حوزه علمیه با توجه به مسئولیت انقلابی‌اش، باید به فرهنگ بومی توجه جدی داشته باشد و هموارکننده راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی باشد. به‌نوعی می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران با دو نوع تهدید مواجه است، تهدیدات درونی و تهدیدات و تهاجمات بیرونی؛ که مهم‌ترین اثربخشی حوزه در عرصه فرهنگی نخست، مقابله با تهدیدات درونی و بیرونی، و خنثی‌سازی تهاجمات در حوزه جنگ نرم، و دوم، ارائه راهکارهایی برای تأثیرگذاری در سطوح فردی و اجتماعی جامعه و سپس، در عرصه جهانی است. بنابراین، از آنجا که مهم‌ترین کار حوزه علمیه از نوع فرهنگی است، باید همه کارها را خیره‌ها انجام دهند و به تعبیر مقام معظم رهبری، «کسانی که می‌توانند کار فرهنگی بکنند به کارهای اجرایی و سیاسی مشغول نباشند و حتی اینگونه نباشد اگر کسی پا در عرصه کار فرهنگی نهاد به کار سیاسی پردازد» (دغدغه‌های فرهنگی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰، ص ۲۱). که البته برای کار فرهنگی باید هم عرصه داخلی و هم عرصه بین‌المللی را مد نظر داشت. زیرا بسیاری از خود غربی‌ها نیز اذعان می‌کنند که اومانیزم غرب با مشکلات عدیده روبه‌رو است و حوزه انقلابی می‌تواند راه نیمه‌هموارشده تمدن نوین اسلامی را گسترش دهد و به سمت تمدنی شکوفا حرکت کند. حوزه برای رسیدن به مهم نیازمند «بایدها» و «نبایدها» بی است.

حوزه انقلابی

و راهبری

تمدن نوین اسلامی

(۳۷ تا ۶۱)

شاید اولین «باید»، توجه به آموزش و پرورش طلاب باشد که مهم‌ترین اصل در کادرسازی نیروها در زمینه‌های اخلاقی، علمی و عملی برای آینده تمدن است. اگر حوزه علمیه بتواند طلبه دغدغه‌مند را پرورش دهد، می‌تواند ائمه جماعات باسواد و متخصص را برای مدارس، دانشگاه‌ها و مساجد پرورش دهد. بنابراین، هر زمان طلبه دغدغه‌مند در حوزه افزایش یافت، دغدغه و درد جامعه بهتر شناسایی می‌شود و طلبه خود را در زمینه علمی، اعتقادی، عملی و جهادی آماده می‌کند و پیگیر مباحث تخصصی‌تر می‌شود.

یکی دیگر از «بایدها» توجه به مباحث روز و کاربردی در جامعه است. امروزه، بسیاری مباحث از جمله لقاح‌های خارج از رحم، تجارت‌های الکترونیکی، بانکداری و جز آن در جامعه رو به گسترش است، که جا دارد دروس خارج فقه به صورت گسترده در سطح کشور افزایش یابد.

باید دیگر حوزه گسترش «واقعی» کرسی‌های آزاداندیشی است که بی‌توجهی به آن در سطح حوزه و همچنین، دانشگاه صدمات خطرناکی را در پی در بر خواهد داشت. این امر باعث افزایش کمی و کیفی طلبه دغدغه‌مند است و اگر طلاب در چنین فضایی رشد نیابند، هرگز نباید انتظار داشت که قدمی برای مشکلات جامعه بردارد و نخبه فکری و اجرایی در حوزه پرورش یابد که بتوانند در پست‌های مدیریتی در سطح کلان وارد شوند و مشکلی را از جامعه حل کنند.

از دیگر «بایدها»های حوزه علمیه، توجه به «تبلیغ بین‌الملل» است که مهم‌ترین کار عملی در این زمینه تربیت مبلغ زبان‌دان هست که غفلت از آن یعنی محصورشدن در مرز ملی و نادیده‌گرفتن اصل «امت» در اسلام. این امر به‌عبارتی توجه به ناسیونالیسم و بی‌توجهی به انترناسیونالیسمی است. خوشبختانه امروزه فضای تبلیغ دین و گسترش اسلام سهل‌تر شده است که لازمه این کار در دو زمینه می‌توان باشد؛ یکی حضور فیزیکی مبلغ بین‌المللی در دیگر سرزمین‌ها و دیگری تربیت مبلغ زبان‌دان در عرصه فضای مجازی که متأسفانه حوزه در این زمینه کار جدی ترتیب نداده است و باید به آن توجه شود.

در این میان، حوزه «نباید»هایی را نیز باید در نظر داشته باشد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از حرکت به سمت تجمل‌گرایی، بی‌انصافی در همه زمینه‌ها به‌ویژه موضع‌گیری‌های جناحی، احساس‌گرایی نهادی و شخصی در کارهایی که عواقب سنگین برای جامعه در برخواهد داشت.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

نتیجه‌گیری

در این مقاله با توجه به جایگاه خطیر حوزه در به‌ثمررساندن انقلاب اسلامی و نیز نقش مسئولیتی راهبری حوزه در دو سطح فردی و سازمانی، به خاص‌بودگی انقلاب اسلامی پرداخته شد و ضمن بررسی حوزه علمیه به چالش‌های آن بیان شد که حوزه علمیه برای راهبری و رهبری تمدن نوین اسلامی نیازمند مثلث اخلاق، علم و عمل است. در این میان، حوزه با توجه به مفهوم تمدن، مسئولیت راهبری تمدن نوین اسلامی را دارد که این تمدن مؤلفه‌هایی از جمله خدامحوری، توجه به کرامت انسانی، اخلاق‌محوری، تأکید بر علم، معرفت و تخصص، عدالت‌محوری و عدالت‌گستری، استقلال و توجه به حکومت و مقاومت مردمی، توجه به فرهنگ تلاش و کوشش و ارتباط‌گیری با دیگر ملل و نحل را که همگی آن‌ها در قرآن کریم، احادیث و فرهنگ تمدنی تشیع به آن توجه شده است، دارد که باید به بایدها و نبایدهایی که بیان شد، دقت کافی داشته باشد و جنبه عملیاتی به آن‌ها بدهد، زیرا در غیر این صورت با توجه به رشد و گسترش وسایل ارتباطی که روزبه‌روز فرایند جهانی شدن آسان‌تر می‌شود، چیزی به نام حوزه انقلابی وجود نخواهد داشت، یا اگر باشد، به‌عنوان نهادی ضعیف با عملکردی خاص مسیر خود را ادامه خواهد داد. بنابراین، حوزه انقلابی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی و راهبری و رهبری آن باید برای «بایدها» تلاش کند و از «نبایدها» که بررسی شد، جنبه عملیاتی بخشد که البته لازمه آن «آینده‌پژوهی علمی و عملی» با توجه به «ظرفیت‌های موجود» و «بدون احساسی رفتار کردن و احساسی شدن» است.

حوزه انقلابی

و راهبری

تمدن نوین اسلامی

(۳۷ تا ۶۱)

منابع

- قرآن کریم
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱). *ایران بین دو انقلاب*. چاپ نوزدهم، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق) (۱۳۶۲). *الخصال*. چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
- آشنایی با مراکز تخصصی حوزه علمیه قم (۱۳۹۵/۱۲/۱۰). سایت دفتر تبلیغات اسلامی.
- اکشلال، رابرت، هوانس یان، ریچارد جی، گیگن، و ینسنت، و مکنزی، ای ین (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی*. ترجمه محمد قائد، تهران: نشر مرکز.
- آمدی، ابوالفتح (۱۴۱۰). *عُرَرُ الْحِكْمِ وَ دُرَرُ الْكَلِمِ*. قم: نشر دارالکتاب الاسلامی.
- بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران). *فصل‌نامه فلسفه و الهیات*، سال ۱۹، شماره ۷۴، صفحات ۲۳۷-۱۹۸.
- بیانات (رهبر) در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، در دسترس در سایت <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3236>، تاریخ دسترسی: ۱۳۸۳/۴/۱.
- بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، در دسترس در سایت <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10357>، تاریخ دسترسی: ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.
- پنج شاخص انقلابیگری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن، در دسترس در سایت <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33258>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۳/۱۴.
- تبیان (۱۳۷۴). روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- تمدن‌سازی نوین اسلامی، در دسترس در سایت <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21246>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

- چالش‌های حوزه‌های علمی «در میزگرد شفقتا: مناصب دنیوی نباید ملاک حوزه رفتن باشد/ دانشگاهی شدن آفتی بزرگ برای حوزه‌های علمی است، کد خبر: ۳۴۴۷۸۴، در دسترس در سایت: fa.shafaqna.com، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳.
- حسنی، قاسم، و اکبر، سید علی (۱۳۸۷). بررسی تاریخ حوزه علمی حله. مجله شیعه‌شناسی، دوره ۴۵، شماره ۱، پیاپی ۲۱، صفحات ۹۳-۸۱.
- دانشنامه جهان اسلام (۱۳۸۹). جلد ۲۱، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- دایره‌المعارف انقلاب اسلامی (۱۳۸۹). *از جاما تا شیمیایی*. جلد دوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۷۴). ج ۲۱، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- دغدغه‌های فرهنگی مقام معظم رهبری (۱۳۹۰). گردآوری و تنظیم متن؛ مرکز صهبا، تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
- دغدغه‌های فرهنگی؛ شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ (۱۳۹۰). با حمایت نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور، مرکز صهبا.
- رضائی، فریدون، و اکبری، مرتضی (۱۳۹۴). *واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)*، دوفصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره ۵.
- رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، در دسترس در سایت <http://www.leader.ir/fa/content/13506>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴ / ۶ / ۴.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*. جلد اول، تهران: نشر کیهان.
- سپهری، محمد (۱۳۸۵). *تمدن اسلامی در عصر امویان*. تهران: نورالتقلین.
- شفیعی فر، محمد (۱۳۹۳). *انقلاب اسلامی؛ ماهیت، زمینه‌ها و پیامدها*. چاپ چهارم، قم: نشر معارف.
- صادقی، سعید (۱۳۸۵). *تئوری‌های انقلاب*. تهران: انتشارات پیام نور.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۳۰هـ.ق). *سیر حوزه‌های علمی شیعه*. قم: مرکز نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی.

- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. جلد اول، تهران: انتشارات اشجع.
- عنایت، حمید (۱۳۶۲). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
- غرالحکم.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۹). رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات). چاپ دوم، قم: نشر معارف.
- فوزی، یحیی، و صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۱). تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره). فصل‌نامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال ۳، شماره ۹.
- فوکو، میشل (۱۳۷۹). ایران؛ روح جهان بی‌روح. چاپ اول، ترجمه افشین جهاننیده و نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.
- کدی، نیکی (۱۳۷۵). بررسی تطبیقی انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی. ترجمه حسینعلی نوذری، روزنامه ایران، شماره ۴۶۵.
- کیمل، مایکل (۱۳۷۵). پیامبران نوین و مثل‌های کهن: افسون‌ها و تقالید در انقلاب ایران. فصل‌نامه حضور، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱۸.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. جلد ۶۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجموعه مقالات همایش حوزه انقلابی (۱۳۹۵). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در دسترس در سایت <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=12596>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). آشنایی با علوم اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- معدل، منصور (۱۳۹۴). معرفی مرکز علوم نوین اسلامی «معنا». نشریه اندیشه تمدنی اسلام، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره اول.
- مقررات اعطای مدارک علمی حوزه علمیه (۱۳۷۵). مجله پیام حوزه، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱۲.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

- ملک‌افضلی، محسن (۱۳۹۴). ظرفیت‌های تمدنی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *نشریه اندیشه تمدنی اسلام*، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره اول.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴). *سیری در نظریه‌های انقلاب*. جلد چهارم، تهران: نشر قومس.
- منوچهری، عباس (۱۳۹۰). *نظریه‌های انقلاب*. چاپ چهارم، تهران: سمت.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۰). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*. جلد اول، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.